

کنکاشی برای یافتن تفاوت‌های اجتماعی طبقه متوسط و طبقه فرودست در جامعه ما

گسل‌هایی زیر پوست جامعه

دانیال معمار

روزنامه‌نگار



لابد این حکایت‌های معروف را شنیده‌اید که: روزی که بر اثر طوفان در امریکای شرقی قطع شد، ملت ریختند و همه مغازه‌ها و سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌ها را غارت کردند. اما یک بار که در ژاپن زلزله آمده بود، با اینکه مردم چیزی برای خوردن نداشتند، اما به ترتیب و منظم، پشت هم صف می کشیدند و وارد سوپرمارکت‌ها می شدند و تنها به اندازه‌ای که نیاز داشتند، جنس برمی داشتند؛ نه بیشتر. بعد مردمی که این دو قصه را تعریف می کردند، مدام از فرهنگ بالای ژاپنی‌ها می گفتند که ببینید چقدر در آن‌ها، درونی و نهادینه شده است. یکی از جاهایی که فرهنگ را به کار می گیرند، دقیقاً موقعی است که می خواهند گروهی از مردم را با گروهی دیگر با فردی رابا فرد دیگر مقایسه کنند. وقتی می گویند کسی با فرهنگ تر است، یعنی که فلانی، مؤدب تر از آن دیگری است. یعنی که در باور آن فرد، مؤدب بودن نه یک ژست، که یک امر لازم است؛ چرا که احترام گذاشتن به دیگران یک امر لازم است. یعنی که ارزش و باور و هنجار برای او، این است که حقوق دیگران را محترم بشمارد. سخت شد؟ وارد تعریف‌های پیچیده فرهنگ نمی شویم، اما تنها کافی است این را بدانید که: اگر فرهنگ طبقه‌ای از جامعه اصلاح شود، سرنوشت آن گروه از مردم جامعه نیز اصلاح خواهد شد و تا وقتی که فرهنگ اصلاح نشده باشد، شما هزاران میلیارد تومان هم که خرج آن طبقه اجتماعی کنید، به جایی نخواهد رسید. این مقدمه‌ای باشد برای ورود به بحث تفاوت‌های اجتماعی طبقه متوسط و طبقه فرودست جامعه، تفاوت‌هایی مثل گسل‌ها که شکاف بین آنها روز به روز بیشتر و بیشتر می شود. در این پرونده سعی کرده‌ایم نظر جامعه‌شناسان و کارشناسان مختلف را در این خصوص جست و جو کنیم.

سؤال اساسی مان این است: تفاوت‌های اجتماعی طبقه متوسط با طبقه فرودست جامعه چه چیزهایی هستند؟ خوب اول باید این گزاره را بیان کنیم که باورهای ما، رفتارهای ما را می‌سازند و رفتارهای ما، فرهنگ ما را می‌سازند. تمدن ما را اگر این قاعده را قبول داشته باشیم، پس بایک نگاه کردن به سبک زندگی و رفتارهای هر طبقه‌ای از جامعه، باید قادر باشیم به باور و رفتارهای اجتماعی آن طبقه هم پی ببریم. نمی‌شود طبقه متوسط شهری از فرهنگ اش بگوید، اما رفتارها و سبک زندگی اش، هیچ سختی با آن فرهنگ نداشته باشد. نمی‌شود طبقه فرودست جامعه را با فرهنگی خاص بشناسیم و بعد در سبک زندگی اش هیچ اثری از آن فرهنگ نبینیم. فرهنگ، فرهنگ و باز هم فرهنگ. اصلاً چیزی از این کلمه می‌فهمید؟ کلمه سختی است، اما کلی از فعالیت‌ها، متناسب به آن هستند: فرهنگ اجتماعی، فرهنگ شهروندی، فرهنگ ترافیکی، ارتقای فرهنگی و... کلا سعی کنید به تعریفش کاری نداشته باشید، چون حساسی به در دسر می‌افیند. پس به چه چیزش کار داشته باشیم؟ اینکه بدانید و با خبر باشید که کلیه رفتارهای ما چه در طبقه متوسط، چه در طبقه فرودست و چه در هر طبقه اجتماعی جامعه، از همین فرهنگ ناشی می‌شود. اینکه چطور فکر می‌کنیم، احساس می‌کنیم، هنجارها و ارزش‌ها و باورهای ما چه هستند، نگاه ما به اطراف و جامعه و دیگران و... همه و همه از همین فرهنگ ناشی می‌شود. حالا فهمیدید که این فرهنگ چقدر مهم است؟ چقدر در همان تفاوت‌های اجتماعی تأثیر گذار است؟

طبقات اجتماعی پایین و متوسط از نگاه دکتر سید حسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

که دستش به دانش می‌رسد. این طبقه اجتماعی ممکن است شغل‌هایی هم داشته باشند، اما آمیدی به حرکت به سمت بالا نداشته و در نوسانات اقتصادی، گرایششان به سمت دهک‌های پایین بیشتر خواهد بود. اتفاقی که در آبان ۹۸ افتاد، به نظر من ادامه وقایع دی ماه ۹۶ بود؛ البته با تفاوت‌هایی. در آبان ۹۸ به نظر من کسانی معترض بودند که از هر دو طبقه پایین و متوسط محسوب می‌شدند. هر چند بعضی‌ها معتقدند که دیگر طبقه متوسطی وجود نداشته یا محدود است. صدای اعتراض آبان ۹۸، صدای اعتراض کسانی بود که سفره‌شان اگر بیش از این کوچک بشود، همه چیزشان را عملاً از دست خواهند داد. صدای اعتراض کسانی که در یکی، دو سال اخیر زیر فشار شدید اقتصادی قرار داشتند و امکان پاسخگویی به مطالبات بحق اعضای خانواده‌شان را نیز نداشتند. به همین دلیل می‌بینیم که بیشترین اعتراضات، در شهرهایی بود که به اصطلاح کارگری محسوب می‌شدند. الان در افکار عمومی، جایی مثل شهر قدس به عنوان شهری کارگری شناخته می‌شود که عملاً بیشترین تخریب‌ها هم در آنجا بود. در یک سال و نیم اخیر، عملاً سه مرحله فشار اقتصادی به مردم وارد شد. از سوی دیگر تحرک و پویایی خاصی در حوزه اقتصادی هم اتفاق نیفتاد. ما جرایز ۴۲۰۰ تومانی را به یاد داریم که یک شبه، دارایی مردم یک سوم شد. حالا بعضی‌ها معتقدند که یک چهارم شد، که ما حالت خوشبینانه را مدنظر قرار می‌دهیم و می‌گوییم یک سوم شد. در آغاز هر سال نیز مشاهده کردیم که افزایش قیمت کالاها و خدمات اتفاق افتاد، در حالی که عملاً افزایش خاصی در درآمد مردم اتفاق نمی‌افتاد و حال و روز اقتصاد کشور هم بهتر نشد. حال و روز خانواده‌های نیازمند ما هم که در دهک‌های پایین بودند، بواسطه حمایت‌هایی که دولت انجام می‌داد هم بهتر نشد. حالا به این

سرمایه اجتماعی را از دست داده‌ایم

عباسی محمدی

روزنامه‌نگار

در پی وقایع اتفاق افتاده اخیر، باز هم مفاهیم جامعه‌شناختی در صدر اخبار و بحث‌ها قرار گرفت و همگان، باز هم به سمت و سوی جامعه‌شناسان رو کردند. به هر حال انتظار می‌رود که این نخبگان اجتماعی و دانشگاهی بتوانند به خوبی از پس تحلیل و تفسیر این وقایع بر آیند. انصافاً نیز تحلیل‌های ارزشمندی در این زمینه ارائه شده و می‌شود. به هر حال با همین تبیین‌های اجتماعی، به نظر می‌رسد که می‌شد از بروز چنین وقایعی جلوگیری کرد. توجه به طبقات اجتماعی پایین جامعه و نسبت آن با طبقات اجتماعی متوسط، یک بار دیگر در کانون توجه قرار گرفت. به همین بهانه، پای صحبت‌های دکتر سید حسن موسوی چلک نشستیم. او ریاست انجمن مددکاران اجتماعی ایران را بر عهده داشته و کمیسر اخلاق فدراسیون جهانی مددکاران اجتماعی هم محسوب می‌شود. صحبت‌های بی‌پرده او خواندن دارد.

■ قبل از هر چیزی، تعریفی داشته باشیم از طبقه متوسط و فرودست. از نگاه شما این دو طبقه اجتماعی چه تعریفی دارند؟

اجازه بدهید طبقه فرودست نگوئیم و بگوئیم طبقات پایین. به هر حال بعضی‌ها نسبت به این مفهوم طبقه فرودست انتقاد دارند. طبقات پایین جامعه، معمولاً کسانی هستند که درآمد مناسبی برای داشتن یک زندگی حداقلی نداشته یا به سختی دارند. طبیعی است که نشانه اول این گروه هم آن باشد که تحت پوشش دسوزمان بزرگ بهزیستی و کمیته امداد باشند. این گروه‌ها غالباً سه دهک پایین جامعه را تشکیل می‌دهند. اما طبقه متوسط ظاهراً